

کتابخانه

نویسنده: نیل جکسون
ترجمه: سپیده مهرجویا



نشریزدا گروه نشریات
سازمان چاپ و نشر

www.ketab.ir

www.yazdamarket.com

https://www.instagram.com/yazdamarket

سرشناسه	: جکسون، نیل (Jackson, N. (Neil)
عنوان و نام پدیدآور	: کوئینگ/نویسنده نیل جکسون؛ مترجم سپیده مهرجویا.
مشخصات نشر	: تهران: یزدا، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	: ۱۰۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۱۶۵-۰۴۳-۷
فروست	: مشاهیر معماری ایران و جهان؛ ۱۷.
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: Pirre koenig....
موضوع	: کوئینگ، پیر، ۱۹۲۵ - ۲۰۰۴م. — نقد و تفسیر.
موضوع	: معماری — ایالات متحده — قرن ۲۰م.
شناسه افزوده	: مهرجویا، سپیده، مترجم
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۹ ج ۸ / ک ۹ / NAV۳۷
رده‌بندی دیویی	: ۷۲۰/۹۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۲۴۱۹۵۵

کوئینگ

نویسنده: نیل جکسون / ترجمه‌ی: سپیده مهرجویا

ناشر: یزدا / چاپ اول: ۱۳۹۸ / قطع: وزیری / تعداد صفحات: ۱۰۴ / صفحه /

آماده‌سازی قبل از چاپ: ماهنامه‌ی تفکر معماری / مدیر تولید: قاسم حسینی /

چاپ و صحافی: یزدا / شمارگان: ۵۰۰ نسخه / بها: ۲۱۰۰۰ تومان /

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۶۵-۰۴۳-۷

نشر یزدا و گروه نشریات

دفتر نشر و نمایشگاه دائمی: تهران، سیدخندان، خیابان ارسباران، کوچه‌ی بستاری، شماره‌ی ۲۲، ساختمان یزدا دورنگار: ۲۲۸۸۵۶۵۱ (۰۲۱) تلفن: ۲۲۸۸۵۶۴۷-۵۰ (۰۲۱)

توجه: به موجب قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱ و همچنین قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب سال ۱۳۵۰ تمام حقوق این اثر به هر نحو برای نشر یزدا محفوظ است. نشر و پخش تمام یا قسمتی از این کتاب بدون اجازه از ناشر، باعث پیگرد قانونی خواهد شد.

www.yazdamarket.com

خرید آنلاین:

https://www.instagram.com/yazdamarket/

اینستاگرام:

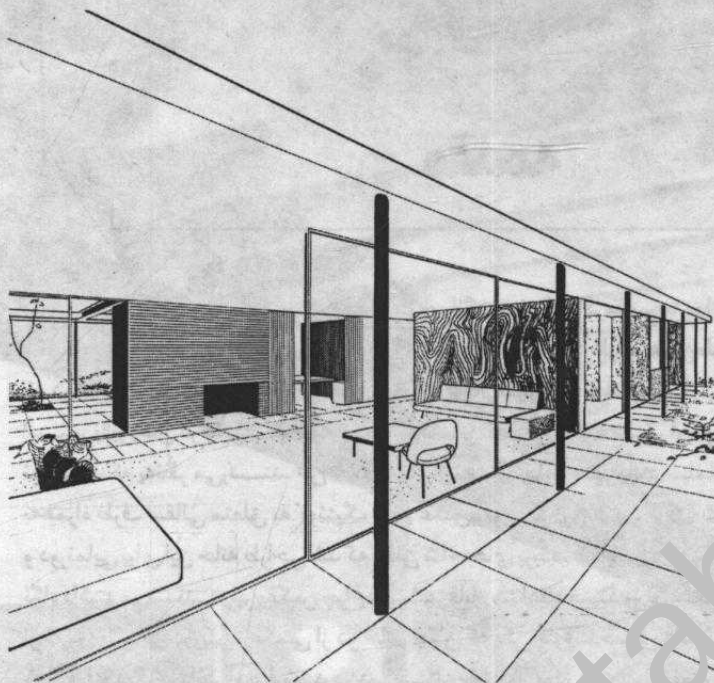
فهرست

۷	مقدمه
۱۹	خانه‌ی کوئنیگ شماره‌ی یک
۲۳	خانه‌ی لامل
۲۹	خانه‌ی پیلی
۳۷	خانه‌ی حیدا
۴۵	خانه‌ی استال
۵۳	خانه‌ی جانسون
۵۹	خانه‌ی اوبرمن
۶۵	خانه‌ی ایواتا
۶۹	خانه‌ی بیگلز
۷۲	خانه‌ی پیش‌ساخته‌ی جمهوی
۷۶	خانه‌ی برتون
۷۹	خانه‌ی گانت‌رت
۸۳	خانه‌ی کوئنیگ شماره‌ی دو
۸۹	خانه‌ی شوارتز
۹۵	زندگی و آثار
۹۹	درباره‌ی نویسنده
۱۰۰	کتاب‌شناسی
۱۰۱	پی‌نوشت‌ها

مقدمه

در معماری قرن بیستم نمونه‌های برجسته‌ی انگشت‌شماری در مقایسه با نمای شبانگاهی خانه‌ی بررسی‌موردی شماره‌ی ۲۲ اثر پیر کوئینگ^۱ وجود دارند. همان‌طور که در تصویر مشاهده می‌شود، این خانه‌ی مرتفع بر فراز شهر لس‌آنجلس قرار گرفته است. با این حال در حقیقت نه آن خانه و نه عکسی که از آن گرفته شد، آن‌گونه نیستند که به نظر می‌رسند. این خانه ناتمام و مملو از خاک باقی ماند. مبلمان به همراه داربست‌های متعلق به کوئینگ برای عکس‌برداری یک روز قرض گرفته شد و دورنمایی از این خانه طراحی شد که در آن شاخه‌های بریده‌شده با گیره یا دست نگاه داشته می‌شدند. در این عکس چراغ‌های شهر قابل مشاهده هستند و با استفاده از فلاش ناگهانی در بین عکس از دو خانم جوان که یکی فارغ‌التحصیل دانشگاه UCLA و دیگری دانش‌آموز است، در دبیرستان پاسادنا^۲ بود، در حالت گفت‌وگو گرفته شد. در حقیقت می‌توان با لباس‌های شهر را در لباس‌های سفیدشان تشخیص داد. عکسی که برای رزین به دیوار روی جلد لس‌آنجلس اگزومینر^۳ در ۱۷ ژانویه ۱۹۶۰ نقش بست، نمادین برد. تصویر بیاگر حقیقت زمان خود بود. این تصویر نمایانگر اوضاع حاکم بر لس‌آنجلس و شهرستان در آغاز دهه‌ی ۱۹۶۰ و دوران کندی بود. این دهه برای آمریکا دهه‌ای بود که با امیدهای فراوان آغاز شد؛ اما با آشفتگی بسیاری پایان یافت. ممکن است آنچه درباری از خانه با اهمیت جلوه می‌کرد، پیام امید و آرزویی بود که در شرایط نابسامان از دوران دیدن این خانه به بیننده منتقل می‌شد.

پیر کوئینگ در ۱۷ اکتبر ۱۹۲۵ در سن فرانسیسکو دیده به جهان گشود. والدین او هردو از مهاجران نسل دوم بودند، مادرش فرانسوی و پدرش آلمانی بود. بنابراین اسم و فامیل اروپایی داشت. در سال ۱۹۳۹، در حالی که هنوز در دبیرستان می‌نویس به تحصیل بود، به همراه خانواده‌اش به لس‌آنجلس، به دره‌ی سن گابریل^۴ درست در جنوب پاسادنا نقل مکان کرد. آنجا همه‌چیز به‌ویژه معماری شهر، در نظر او برخلاف سن فرانسیسکو، گرم، آفتابی، رنگارنگ، جدید، روشن و تمیز بود. اندکی بعد آمریکا وارد جنگ شد و کوئینگ که در آن زمان فقط هفده سال داشت، در فهرست برنامه‌ی آموزشی ویژه‌ی ارتش آمریکا قرار گرفت. این فهرست در واقع برای اسم‌نویسی سربازان بود و به آن‌ها وعده‌ی تحصیلات جهشی در کالج داده شده بود؛ اما در سال ۱۹۴۳، درست پس از چندماه حضور در دانشگاه یوتا^۵، برنامه لغو شد و کوئینگ به مدرسه‌ی پیاده‌نظام در فورت بنینگ^۶ واقع در جورجیا فرستاده شد. خدمت در زیر پرچم فرانسه و آلمان تا پس از پیروزی متفقین آلمان، مانع خروج از او از اروپا شد و

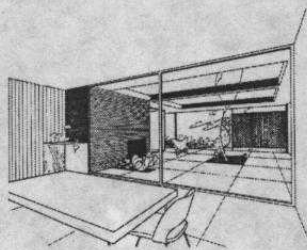


تصویر سمت چپ و پایین:

ترسیم پرسپکتیو اثر پیر کوئنیگ
از خانه‌ی بررسی موردی رافائل
سوریانو، ۱۹۵۰

او در سال ۱۹۴۶، به دشتی کونا، کویین مری^۸ به آمریکا بازگردانده شد. او در آن سفر از هرج و مرج و فلاکت در استگاه‌های نیروهای ارتش گریخت. کوئنیگ با اعطای بورسیه‌ی مالی از جانب جی. آی بیل^۹، توانست تحصیلات خود را کالج در ادامه بدهد و در نهایت، در سال ۱۹۵۰ دو سال تحصیل در کالج شهر پاسادنا، در برنامه‌ی آموزشی معماری در دانشکده^{۱۰} جنوب کالیفرنیا پذیرفته شد. این برنامه بسیاری از جنبه‌ها پیشرفته بود؛ اما گشتن به ساخت و ساز با اسکلت چوبی کوئنیگ را ناامید کرد، و به عنوان دانشجوی سال دوم، سمیم گرفت اولین خانه‌اش را با استفاده از فولاد صنعتی بنا کند. او بعدها در این باره گفت: «به این نتیجه رسیدم که خانه‌های بسیار سبک‌وزن، از فولاد ساخته شدند، نه از چوب»؛^{۱۱} پس دیگر جای تعجب نبود که به جای اینکه به دنبال همکاری با ریچارد نئوترا^{۱۲}، از معماران بزرگ جنوب کالیفرنیا باشد، به رافائل سوریانو^{۱۳} که او نیز یکی دیگر از فارغ التحصیلان USC بود، روی آورد. همان گونه که او بعدها اذعان کرد: «من می‌خواستم در تابستان دوره‌ی کارآموزی را شروع کنم، به همین منظور طبیعتاً نزد سوریانو رفتم و به دلیل اینکه من چیزی برای یاد دادن به او داشتم و او نیز در مقابل می‌توانست چیزی به من یاد دهد، همان تابستان کنار او کار کردم.»^{۱۴} این تصمیم برای هر دوی آن‌ها مفید بود.

در تابستان سال ۱۹۵۰، در حالی که کوئنیگ در گلندل^{۱۵} مشغول ساخت خانه‌اش بود، سوریانو چهار خانه با اسکلت فولاد سبک‌وزن، در حال ساخت یا در مرحله‌ی



طراحی داشت: خانه‌ی شولمن^{۱۵} و خانه‌ی کرتیس^{۱۶} تقریباً رو به اتمام بودند و خانه‌ی اولدز^{۱۷} و خانه‌ی کراؤس^{۱۸} در جریان ساخت قرار داشتند. کوئینگ در این زمان، معماری منطقی و صنعتی را به‌خوبی تشخیص می‌داد؛ زیرا بازتابی از عقاید شخصی او بود و به‌نظرش بیانگر مسیر درستی بود که او انتخاب کرده بود. طراحی‌های سوریانو اغلب با مدارنگی یا مداد بودند و به‌ندرت پیچیدگی که این ساختمان‌ها را بسیار متمایز می‌کرد، دربرمی‌گرفت؛ بنابراین کوئینگ برای وی نقشه‌ی تصویرخانه‌ی اولدز را آماده کرد. این نقشه در مجله‌ی هنر و معماری به‌سرمدیری جان انتنزا^{۱۹} در شماره‌ی آگوست مجله به‌نام خانه‌ی بررسی موردی در سال ۱۹۵۰ چاپ شد. ترسیم‌های کوئینگ، حتا در همان مرحله‌ی ابتدایی هم بلافاصله قابل تشخیص بودند. طراحی‌ها با خط سیاه و پرسپکتیو دونقطه‌ای کشیده می‌شدند، و به‌همان تردی و شکنندگی بودند که خانه‌ها را به‌تصویر می‌کشاندند.

برنامه‌ی بررسی موردی، تنها نمونه‌ی برجسته در معماری کالفرنیای پس از جنگ جهانی دوم به‌شمار می‌آید که تأثیر فراگیری بر جای نهاد. جان انتنزا که بعدها مدیریت بنیاد گراهام^{۲۰} در سیکاگو را برعهده گرفت، با بهره‌گرفتن از مجله‌ی هنر و معماری که هم‌زمان ناشر و صاحب امتیاز آن نیز بود، معماری مدرن و مقرون‌به‌صرفه‌ی پس از جنگ را توسعه بخشید. در ماه مارس ۱۹۵۱ چاپ خانه‌های منتخب که در حال طراحی و سپس ساخت بودند، کارمداران را در معرض دید قرار می‌داد و برای پیمانکاران و تولیدکنندگان تبلیغ می‌کرد. صنعت عمارت این بود که مصالح با کاهش هزینه‌ی قابل توجهی عرضه می‌شدند و در عوض، هزینه‌ی ان منازل خود را برای بازدید در اختیار عموم قرار می‌دادند. مجله مسئول ساخت و ساز در آن زمان به کسی واگذار نمی‌کرد؛ اما انتخاب آن‌ها به‌عهده‌ی انتنزا بود. براساس گفته‌های کوئینگ: «جان انتنزا مرا دعوت کرد و به من گفت، پیراگر خانه‌ی مناسب و تعدادی کارفرمای ماهر داری به من بگو. ما می‌توانیم این خانه را در زمرة بررسی موردی قرار بدهیم. خوب من هم همین کار را انجام دادم و نتیجه‌ی آن بررسی موردی شماره‌ی ۲۱ بود.»^{۲۱}

این برنامه شامل ده خانه بود که کوئینگ با دو خانه‌ی بررسی موردی دیگر، هشت ساختمان با اسکلت فولادی که توسط سایرین انجام شده بود، به این دوره‌ی ده‌ساله خاتمه بخشید. این منازل به برنامه‌ی خانه‌های بررسی موردی اعتبار بخشیدند. اولین خانه، خانه‌ی امز (خانه‌ی بررسی موردی شماره‌ی هشت) اثر چارلز و ری امز^{۲۲} بود، و در مجاورت آن، خانه‌ی انتنزا (خانه‌ی تحت بررسی شماره‌ی نه) توسط چارلز امز و ائرو سارینن^{۲۳} بنا شد. ساخت هر دو خانه در سال ۱۹۴۹ به‌اتمام رسید. خانه‌ی اولدز ساخته‌ی سوریانو در سال ۱۹۵۰ خانه‌ی بررسی موردی بود. سه خانه‌ی بررسی موردی بعدی به کریگ الوود^{۲۴} اختصاص یافت: خانه‌ی سالزمن^{۲۵} (خانه‌ی بررسی موردی شماره‌ی شانزده) در سال ۱۹۵۳، خانه‌ی هافمن^{۲۶} (خانه‌ی بررسی موردی شماره‌ی هفده) در سال ۱۹۵۶ و خانه‌ی فیلدز^{۲۷} (خانه‌ی بررسی موردی شماره‌ی هجده) در سال ۱۹۵۸ بود. خانه‌ی بررسی موردی

شماره‌ی ۲۱ برای بازدید عموم در ژانویه‌ی سال بعد از آن افتتاح شد و همان‌گونه که کوئنیگ به‌یاد می‌آورد: «جان گفت ما یک پروژه‌ی دیگر نیز انجام می‌دهیم. ما خانه‌ی بررسی‌موردی شماره‌ی ۲۲ را در دستور کار قرار دادیم. این بنا یکی از ساختمان‌های مرتفع در تپه‌های هالیوود بود.»^{۲۸}

در برنامه‌ی خانه‌ی بررسی‌موردی، پروژه‌های بسیاری وعده داده شد؛ اما در نهایت به بررسی پروژه‌های اندکی پرداخته شد. همان‌گونه که پیتر رینر بناهام در لس‌آنجلس، در کتاب معماری چهاراکولوژی نوشت: «سبک کوئنیگ کاربردی است؛ اما کوئنیگ به سبک علاقه‌ای نداشت. دلیل اینکه آثار معماری او به‌گونه‌ای در نظر گرفته می‌شد که گویی از سبک شناخته‌شده‌ای برخوردار بود، نتیجه‌ی تمایل او به گرایش‌های خاص و مطالعه‌ی مقاله‌های انتقادی بود. وقتی او اولین خانه‌اش را در گلندل ساخت، فقط از چیزی پیروی کرد که تصور می‌کرد منطقی بود. به‌طوری‌که او بعدها گفت: «هم‌زمان با ساخت این خانه، چارلز امز مشغول بنای ساختمان خود در پالیسادیز»^{۲۹} بود و تا جایی که می‌دانم، مایس مشغول ساخت خانه‌ی فارنسورث»^{۳۰} بود. فکر می‌کنم هیچ‌یک از ما از کار دیگری اطلاعی نداشت.»^{۳۱} کوئنیگ با بررسی ۳۰ سال گذشته، حال‌وهوای آن دوران را به‌یاد می‌آورد. «اتفاقات بسیاری در لس‌آنجلس رخ می‌داد که هیچ‌یک پیرامون هنر و معماری جهان نبود. در این دوره، موسیقی نیز وضعیت مشابهی به‌چشم می‌خورد. برگزاری کنسرت توسط استراوینسکی»^{۳۲} و شوئنبرگ»^{۳۳} در UCLA از اهمیت چندانی برخوردار نبود. هیچ اتفاق»^{۳۴} که به‌دید می‌چشم‌گیری تبدیل شود، در لس‌آنجلس تا زمان کنونی حادث نشد. اینک ما تا ده سال به‌گذشته درمی‌یابیم هر آنچه اتفاق افتاد، حایز اهمیت بوده است؛ اما باید به این نکته پی ببریم که در آن زمان در اوج هیجان به‌سر می‌بردیم، جنگ تمام‌شده بود و همه آرمان‌گرا بودند. هرکس در نظر داشت برای مشکلات خانه‌سازی راه‌کار»^{۳۵} ایجاد کند. همه به تولید انبوه روی آورده بودند. دوران مهیجی بود و هر آنچه بتو»^{۳۶} تصور کرد، آمایش می‌شد.»^{۳۷}

موسیقی یا صوت، در نظر کوئنیگ»^{۳۸} ز پیشرفت او به‌شمار می‌رفت. جنگ خاطراتش را در اذهان عمومی بر جای گذاشت. بود. و در سال ۱۹۹۹ استیو رودن»^{۳۹} را ملاقات کرد؛ کسی که «موتور مدل مسراشه»^{۴۰} ۱۹۰۶ را خریداری کرده بود. این موتور قادر به تولید صدای مصنوعی حیرت‌انگیزی بود. این موتور دو ویژگی مهم و مشترک داشت: صدای بسیار بسیار گوش‌خراش با تأیید»^{۴۱} که با فرکانس زیاد پوشیده می‌شد و از هرگونه هواپیمایی در جهان متمایز بود. اگر این صدا را با صدای مسلسل ترکیب کنید، تاثیر روان‌شناختی زیادی بر شما برجای می‌گذارد که به‌راحتی نمی‌توانید آن را فراموش کنید.»^{۴۲} او در سن چهارده سالگی وقتی قطعه‌ی «جشن بهار» اثر استراوینسکی را از رادیو شنید، دریافت موسیقی تا چه اندازه می‌تواند به انسان آرامش ببخشد. «هرچه بیشتر به موسیقی گوش می‌دادم، بیشتر به‌دنبال آثار جدید بودم.»^{۴۳} او در مجموعه‌ی موسیقی خود ۶۰۰۰ صفحه گرامافون داشت، و اتاق مخصوص موسیقی در خانه‌ی جدید او در برنتوود»^{۴۴} واقع در لس‌آنجلس به‌همان اندازه حایز اهمیت بود که آکوستیک فضای آتریوم، جایی که او موسیقی می‌نواخت.